



ضرورت و موانع

# ثروتمند شدن

موسی توماج



# ضرورت و موانع ثروتمند شدن

شما می توانید این کتاب را بدون هیچگونه تغییر در محتوا و مشخصات به اشتراک بگذارید.

نویسنده

موسی توماج

سایت زندگی رویایی

[ZendegiRoyaie.com](http://ZendegiRoyaie.com)

[info@zendegiroyaie.com](mailto:info@zendegiroyaie.com)

[mtoumajiri@gmail.com](mailto:mtoumajiri@gmail.com)

۱۳۹۴

عضویت در کانال تلگرام سایت زندگی رویایی

[ZendegiRoyaie.com](http://ZendegiRoyaie.com)

## مقدمه

آیا چنین نیست که هر کسی می‌خواهد ثروتمند شود؟

آیا چنین نیست که همه آرزوی داشتن پول و ثروت زیاد را دارند؟

در ظاهر شاید چنین باشد اما پول و ثروت موضوعی است که همه ما احساسات قدرتمندی در مورد آن

داریم. همه ما باورهای بسیار قوی و ناخودآگاه در مورد پول، کار، روش به‌دست آوردن پول، ثروت و

ثروتمندان داریم. برخی باورها و تکیه‌کلام‌های معمول در این باره عبارت‌اند از:

پول چرک کف دسته

پول که علف خرس نیست

پول که از آسمان نمی‌باره

وسعم نمی‌رسه

من به پول اهمیتی نمی‌دهم

پولش رو ندارم

پول منشأ همه فسادها است

پول همه‌چیز نیست

پول باعث انحراف آدم‌ها همیشه

پول باعث میشه آدم‌ها عوض بشن

پول زیاد دردسر زیادی هم داره

پول، پول میاره

پول مهم نیست

پول مسئولیت میاره

پول خوشبختی نمیاره

نابرده رنج گنج میسر نمی شود

برو کار میکن مگو چیست کار که سرمایه جاودانی است کار

پولدارها خسیسن

ثروتمندان بی رحم هستند

همه زندگی ثروتمندان در پول خلاصه میشه

ثروتمندان کلاهبردارن

ثروتمندان سطحی هستند

ثروتمندان پول پرست هستند

و ...

ما از کودکی این جملات را بارها و بارها از والدین و اطرافیان خود شنیده ایم. ذهن یک کودک مثل یک اسفنج آنچه را می شنود و می بیند جذب کرده و به مرور این دریافته ها به باورهای ناخودآگاه فرد در بزرگسالی تبدیل می شوند. به همین دلیل است که افراد علاوه بر خصوصیات ژنتیکی، باورهای والدین خود را نیز به ارث می برند و اکثر افراد تا آخر عمر با این باورهای ناخودآگاه زندگی می کنند. در عمل، زندگی آنها تفاوت ماهوی با والدین خود نخواهد داشت چون این باورهای ماست که زندگی مان را می سازد.

### سناریوی مالی شما

مجموعه باورهای شما در مورد پول، کار، ثروت، ثروتمندان و تمام عقاید مرتبط با مسائل مالی را **سناریوی مالی** می‌نامیم. این سناریو بدون مشارکت شما و حتی بدون اجازه شما در عمیق‌ترین بخش وجود شما یعنی در ضمیر ناخودآگاهتان لانه کرده است.

شما به طور ناخودآگاه در حال اجرای این سناریو هستید. اگر این سناریو برای وضعیت مالی فقیرانه یا متوسط نوشته شده باشد غیرممکن است که بتوانید ثروت سرشاری به دست آورید. حتی اگر تصادفاً ثروت بادآورده هنگفتی به دست آورید در اولین فرصت آن را از دست خواهید داد. سرگذشت برندگان قرعه کشی‌ها این موضوع را ثابت کرده است. قریب به اتفاق آنها پس از مدتی به وضعیت مالی سابق خود برگشته‌اند. این مسئله دلایل روان‌شناختی زیادی دارد.

### ترموستات مالی

سناریوی مالی شما تعیین می‌کند که چه مقدار پول به دست آورید و در چه **سطح مالی** زندگی کنید. شما با سطح مالی خود احساس راحتی می‌کنید. سناریوی مالی شما مثل یک ترموستات نسبت به تغییرات سطح مالی شما واکنش نشان می‌دهد. با افت سطح مالی، ترموستات مالی واکنش نشان داده باعث ناراحتی شما می‌شود و به تقلا می‌افتید که به سطح مالی‌ای که برای آن تنظیم شده‌اید بازگردید. اگر ترموستات مالی فقط به افت سطح مالی واکنش نشان می‌داد خوب بود اما آن به افزایش سطح مالی نیز واکنش نشان می‌دهد. با بالاتر رفتن وضع مالی شما از سطح مالی برنامه‌ریزی شده، ترموستات مالی به کار افتاده و مجدداً در شما احساس ناراحتی می‌کند و شما برای رهایی از این ناراحتی در اسرع وقت از دست آن پول اضافی خلاص می‌شوید. کاری که میلیونرهای یک شبه یا برندگان در قرعه کشی می‌کنند.

### چرا باید ثروتمند باشیم؟

مسئولیت مسائل مالی خود را به عهده بگیرید وگرنه باید تا آخر عمر به دستور گرفتن از دیگران عادت کنید. انتخاب با شماست: یا ارباب پول شوید یا بنده آن. رابرت کیوساکی، نویسنده «پدر پولدار پدر بی پول»

وقتی که باورهای منفی و محدودکننده خود درباره پول و ثروت را کنار بگذاریم بسیار طبیعی و منطقی است که بخواهیم ثروتمند باشیم. این طبیعت کمال طلب انسان است که همواره به دنبال بیشتر است. این خواستن بی پایان ناشی از وجه معنوی وجود ماست. روح انسانی که بارقه‌ای از روح الهی است همواره به دنبال تجلی و شکوفایی بیشتر است. شوق اتصال به آن منبع بی کران، همواره ما را به بیشتر بودن، بیشتر داشتن و بیشتر تجربه کردن فرا می خواند. اگر می دانیم، دوست داریم بیشتر بدانیم. اگر داریم، دوست داریم بیشتر داشته باشیم. اگر هستیم، دوست داریم بیشتر باشیم.

این خواسته‌های بی پایان را نباید با حرص و طمع اشتباه گرفت. حرص و طمع نوعی انحراف از خواستن طبیعی و ناشی از جهل، تنگ نظری و عقب ماندگی اخلاقی است. فرد طماع و حریص از بیکرانی و فراوانی کائنات غافل است و همه چیز را فقط برای خود می خواهد. او با احتکار پول و سرمایه، جریان طبیعی و زاینده آن را مسدود کرده، حتی خود را نیز از لذت داشتن، برخوردار شدن و از لذت عمیق تر بخشیدن، محروم می کند. شاید در فرهنگ عمومی و ادبیات ما حجم زیادی مطلب در مذمت مادیات، پول و ثروت گفته شده باشد. شاید نوشته‌های بسیاری به تقدیس فقر و درویش مسلکی پرداخته‌اند اما باید بدانیم که منظور عارفان و عالمان حقیقی نه نفی خود مادیات بلکه وابستگی و سوءاستفاده از مادیات است و گروهی نیز این دو را باهم خلط کرده، کلاً مادیات را نفی کرده‌اند. مولانا می گوید:

### چیست دنیا از خدا غافل شدن نی قماش و نقره و فرزند و زن

داشتن یا نداشتن مال و منال نه ما را انسان بهتری می کند و نه بدتر. ثروت و دارایی فقط ما را فاش می کند. ثروت قدرت می بخشد و نحوه به کارگیری قدرت، میزان انسانیت ما را راحت تر آشکار می سازد. از این ملاحظه اخلاقی که بگذریم، طبیعی است که امروزه پول نقشی اساسی در تمام ابعاد زندگی ما دارد. از تأمین نیازهای اولیه چون مسکن، غذا و پوشاک گرفته تا تهیه امکانات تحصیل، ازدواج، تفریح، مسافرت، رشد شخصی، علایق، استفاده از هنر، کتاب، مطالعه، جشن و ... همه و همه نیاز به پول دارد. والاس د. واتلز (۱۸۶۰-۱۹۱۱) در کتاب «دانش ثروتمند شدن» در ضرورت کسب ثروت می نویسد:

اگر چه در ستایش فقر سخنان بسیاری گفته می شود، حقیقت این است که بدون ثروتمند شدن امکان زندگی به راستی کامل و موفق وجود ندارد و هیچ انسانی نمی تواند به بالاترین حد شکوفایی استعدادها و تکامل روحانی خویش نائل شود، مگر اینکه پول زیادی داشته باشد؛ زیرا برای تعالی روح و پرورش استعدادهایش باید از چیزهای زیادی استفاده کند که تهیه آنها جز با پول ممکن نیست.

اگر به قدر کافی پول نداشته باشیم، همیشه دغدغه آن را خواهیم داشت و وقتمان را صرف فکر کردن به آن خواهیم کرد. باید به جایی برسیم که به پول فکر نکنیم. یکی از استادانم می گوید «اگر بدانی که با فکر نکردن به پول چقدر وقت آزاد به دست می آید، شگفت زده خواهی شد». داشتن پول کافی ما را از دغدغه آن رها کرده به ما فراغتی می بخشد تا کارهایی را که دوست داریم انجام دهیم. با وجود آسایش، فراغت و انجام کارهای مورد علاقه مان، خلاق تر می شویم. هر چه خلاق تر باشیم خدمات بهتری ارائه می کنیم و طبیعتاً پول بیشتری به دست می آوریم و این چرخه فراوانی و غنا همچنان به نفع همگان تداوم و توسعه می یابد.

### عوارض بی پولی

پول چیزی است که اگر نداشته باشیم تلف می شویم. باب پراکتور، نویسنده «موضوع پول نیست»

این حقیقتی ساده است که بنیان تبادل کالا و خدمات در زندگی امروزی بر پول استوار است و بنابراین برای استفاده از خدمات و کالاها و امکانات به پول نیاز داریم و پول فقط ابزار این تبادل است اما در ذهن ما پول با باورهایی اخلاقی بسیاری گره خورده است.

لازمه برخورداری از تمام امکانات زندگی داشتن پول است. قیمت‌ها دائماً رو به افزایش است و اگر پول نداشته باشیم نگران خواهیم شد. تورم چیزی نیست که کنترلش به دست ما باشد اما اگر به اندازه کافی پول داشته باشیم نگرانی کمتری خواهیم داشت. چرا باید غصه چیزی را خورد که کنترلی بر آن نداریم اما اگر پول نداشته باشیم حتماً به آن فکر خواهیم کرد. وقتی دائماً به پول فکر می‌کنیم یعنی پول دارد افکار، زمان و اعمال ما را کنترل می‌کند.

این بدترین نوع بردگی است. با بردگی پول، وقت و انرژی ما هدر می‌رود. برده پول بودن، ذهن بیکران و نیروهای خلاقه ما را در حد یک ماشین معیوب پایین می‌آورد.

بی‌پولی رشد ما را مختل می‌کند. بی‌پولی باعث می‌شود که به بیگاری آن تن بدهیم. به کارهایی و ادار می‌شویم که علاقه‌ای به انجامشان نداریم. زندگی مان وقف تأمین معاش می‌شود. فرصتی برای پرداختن به نیازهای والاتر خود نداریم. همیشه دغدغه پول را داریم و تمام مسائل زندگی را با پول می‌سنجیم. به قول بزرگی:

**تنها کسانی که بیشتر از ثروتمندان به پول فکر می‌کنند فقرا هستند.**

همواره فقرا و درویش مسلکان از پول بد گفته‌اند و تمام انحرافات اخلاقی از قبیل حرص، طمع، ظلم، استثمار و ماده‌پرستی را به خود پول نسبت داده‌اند و بدین ترتیب در واقع بی‌پولی خود را توجیه کرده‌اند.

فقر هیچ چیز قابل‌تحسینی ندارد. فقر نه تنها زندگی ما را با مشکلات و تنگناها انباشته می‌کند بلکه رشد انسانی و معنوی ما را نیز با مانع مواجه می‌سازد. همان‌طور که در آموزه‌های دینی نیز داریم «وقتی که فقر از در وارد



شود دین از پنجره بیرون می رود.» البته این دلیل نمی شود که فقرا آدم‌های بدی باشند. خوبی و بدی هیچ ربطی به میزان پول و ثروت شما ندارد. اما چرا باید در دنیایی که سرشار از نعمت، برکت فراوانی است، فقیر و بی پول باشیم. در جایی خواندم که «فقرا را دوست بدار و از فقر بیزار باش» و همچنین «بهترین کاری که برای فقرا می‌توانید انجام دهید این است که یکی از آنها نباشید.»

### رفاه و آسایش مادی

این ابتدایی‌ترین نیاز ماست. ما باید در خانه‌ای مناسب، با امکانات مناسب زندگی کنیم. غذاهای مناسب بخوریم و لباس‌های مناسب بپوشیم. همه لیاقت استفاده از امکانات خوب را دارند. چرا باید خودمان را از این امکانات محروم کنیم؟ چرا باید رنج و آزار بی‌موردی را بر خود تحمیل کنیم؟

پول چیزی نیست جز ابزاری برای تبادل کالا و خدمات. ما به وسایل و امکانات زیادی برای زندگی کردن نیاز داریم. خوراک، پوشاک و مسکن مناسب از ضروری‌تان نیازهای ماست. علاوه بر این‌ها ما به تفریح، بازی، مسافرت و امکانات تحصیل، هنر، فرهنگ، یادگیری و ... نیاز داریم.

شاید شنیده‌اید که برخی می‌گویند که «پول خوشبختی نمی آورد» یا اینکه «عشق مهمتر از پول است». این در واقع توجیهی برای بی‌پولی خودشان است. آیا وقتی از بقال سر کوجه خرید می‌کنید می‌توانید به جای پرداخت پول به او «عشق بدهید» یا بگویید «پول خوشبختی نمی آورد». مقایسه پول با خوشبختی یا عشق مثل مقایسه پای یک نفر با گوش یک نفر دیگر است.

پول در جاهایی که به کار می‌آید بسیار مهم است و در جاهایی که به کار نمی‌آید اصلاً مهم نیست. طبیعی است که اگر شما بدون هیچ امکاناتی در وسط کویر گم شده باشید داشتن چک یک میلیون دلاری در جیب‌تان هیچ دردی از شما دوا نخواهد کرد.

دوستان من! خوب گوش کنید: پول در زمینه‌هایی که کاربرد دارد، بی‌نهایت مهم است و در زمینه‌هایی که کاربردی ندارد اهمیت نیز ندارد و اگرچه عشق نیز می‌تواند در دنیا کاربرد داشته باشد، ولی مطمئناً برای ساختن بیمارستان، خانه و مدرسه نمی‌توان آن را پرداخت نمود! ضمناً نمی‌شود با آن شکم کسی را سیر کرد. تی. هارو اکر، نویسنده «اسرار ذهن ثروتمند» درست است که نمی‌توان با پول خوشبختی را خرید اما پول می‌تواند باعث آسایش و راحتی ما شود. به قول یکی از دوستان پولدارم «اگر قرار است بدبخت باشیم لااقل در آسایش و راحتی بدبخت باشیم». از طرف دیگر اگر پول خوشبختی نمی‌آورد بی‌پولی حتماً مصائب و رنج‌های بسیاری به بار می‌آورد. من ثروتمند و فقیر و همچنین خوشبخت و بدبخت بوده‌ام، اما به شما اطمینان می‌دهم که وقتی فقیر و بدبخت بوده‌ام، احساس بدبختی بیشتری داشتم تا وقتی که ثروتمند و بدبخت بودم. رابرت کیوساکی، نویسنده «پدر پولدار پدر بی پول»

### استقلال مالی

اینکه آن قدر پول داشته باشیم که بتواند هزینه‌هایمان را تأمین کند باعث می‌شود که از نظر مالی نیازمند کسی نباشیم. این استقلال در تمام شئون زندگی ما تأثیر می‌گذارد. وابستگی مالی به دیگری می‌تواند عزت نفس ما را تضعیف کند و بر تصویر ذهنی که از خود داریم تأثیر منفی بگذارد که ناخواسته به دیگران نیز منتقل خواهد شد. استقلال مالی به ما این توانایی را می‌دهد که زندگی دلخواه خودمان را بکنیم. از زندگی لذت ببریم. به علایق خودمان بپردازیم و استعدادهایمان را شکوفا کنیم.

وابستگی مالی به دیگران، همواره ما را در موقعیت مدیون و بدهکار بودن قرار می‌دهد. در چنین وضعیتی بسیار بعید است که بتوانیم احساس راحتی، لذت و آرامش کنیم و هر لحظه از ترس بی‌پولی و عدم حمایت مالی

دچار نگرانی و عذاب خواهیم بود. از طرف دیگر همواره ممکن مورد سوءاستفاده و استثمار قرار بگیریم.

### آزادی مالی: اوج ثروتمندی

فرض کنید کسی منبع درآمد خوبی دارد. وضع مالی اش خوب است و از لحاظ مالی نیازی به کسی ندارد. در این صورت او استقلال مالی دارد. اما لازمه درآمد او این است که شخصاً در محل کار حاضر شود و در صورت عدم حضور، آن روز درآمدی نخواهد داشت. لازم است که او هفته‌ای چهل ساعت در محل کارش باشد.

آیا به نظر شما شخصی که شرایطش را توصیف کردیم دارای «آزادی مالی» است؟

طبیعی است که چنین نیست. رابرت کیوساکی آزادی مالی را چنین تعریف می‌کند:

آزادی مالی یعنی اینکه اگر تصمیم‌گیری از فردا کار نکنی تا آخر عمر سرمایه‌ها و سود ناشی از آنها هزینه‌هایت را تأمین کند.

پس صرف پول داشتن، ثروتمند بودن و استقلال مالی داشتن، به شما آزادی مالی نمی‌دهد. آزادی مالی به امکان آزاد کردن وقتتان مربوط است. اینکه بتوانید اوقات آزاد زیادی داشته باشید بدون اینکه از درآمد و دارایی خالص شما کاسته شود. این مرتبط با انواعی از درآمد است که آنها را درآمد چندگانه انفعالی می‌نامیم که در ادامه کتاب بررسی خواهیم کرد. تنها به اتکای داشتن سرمایه زیاد یا مقدار زیادی از درآمد انفعالی است که می‌توانیم به آزادی مالی برسیم.

آزادی مالی را «اوج ثروتمندی» نامیدیم چرا که گران‌بهاترین کالا یعنی عمر و وقتمان را با آن در اختیار می‌گیریم. آزادی مالی به ما این امکان را می‌دهد که اوقات بیشتری را با خانواده‌مان باشیم. می‌توانیم کارهایی را که دوست داریم انجام دهیم. کسی که آزادی مالی دارد علاوه بر ثروت، فرصت استفاده از ثروتش را هم

دارد در صورتی که برای کسی که فقط استقلال مالی دارد لزوماً چنین نیست.

اکثر افرادی که ثروت‌های کلان و استقلال و آزادی مالی دارند معمولاً تا آخر عمر و یا تا وقتی که توانش را دارند به کارشان ادامه می‌دهند. آنها هیچ اجباری به این کار ندارند. آنها به کارشان ادامه می‌دهند چون کارشان را دوست دارند و از آن لذت می‌برند. و این یکی از بزرگ‌ترین رازهای دستیابی به ثروت سرشار از راهی آسان است.

### تصمیم بزرگ

ظرفیت ما برای کسب ثروت و موفقیت، محدودیتی ندارد به شرط اینکه جرات کرده و رویاهای بزرگ داشته باشیم.

مری کی، کارآفرین میلیاردی

هیچ تغییر مثبت و هیچ دستاورد ارزشمندی در زندگی ما خودبخود اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه ما تصمیم بگیریم که اتفاق بیفتند. بنابراین اگر دوست دارید که ثروتمند شوید باید تصمیم بگیرید که ثروتمند شوید. تنها در صورتی که تصمیم به ثروتمند شدن بگیرید می‌توانید آن را محقق کنید. همه آرزوی ثروتمند شدن را دارند اما صرفاً آرزوی داشتن ثروت کسی را ثروتمند نمی‌کند. شما باید تصمیم بگیرید که ثروتمند شوید و چه بهتر که تصمیم بگیرید که از راهی آسان و لذت‌بخش ثروتمند شوید. پس قبل از هر چیز در درون خود تکلیف خودتان را روشن کنید.

آیا واقعاً می‌خواهید ثروتمند شوید؟

آیا متعهد به ثروتمند شدن از راهی آسان هستید؟

اگر پاسخ شما مثبت باشد تنها چیزی که باقی می ماند کسب آگاهی و آموزش های لازم و اقدام بر اساس آنهاست تا علاوه بر ثروت، استقلال و آزادی مالی، زندگی ای سرشار از شادی، لذت و شور و شوق را برای خود خلق کنید.

اگر فکر می کنید آموزش گران است بی سوادى را امتحان کنید. آبراهام لینکلن

**عضویت در کانال تلگرام سایت زندگی رویایی**

# ضرورت و موانع ثروتمند شدن

شما می توانید این کتاب را بدون هیچگونه تغییر در محتوا و مشخصات به اشتراک بگذارید.

نویسنده

موسی توماج

سایت زندگی رویایی

[ZendegiRoyaie.com](http://ZendegiRoyaie.com)

[info@zendegiroyaie.com](mailto:info@zendegiroyaie.com)

[mtoumajiri@gmail.com](mailto:mtoumajiri@gmail.com)

۱۳۹۴

عضویت در کانال تلگرام سایت زندگی رویایی